



مظلوم‌تر ز فاطمه (س) هستی تو یا علی (ع)

امشب انسانیت نیز به سوگ نشسته است و کائنات همگی سر در گریبان خویش فرو برده‌اند و ماتم زده و سوگوار به عزاداری مشغولند...

امشب انسانیت نیز به سوگ نشسته است و کائنات همگی سر در گریبان خویش فرو برده‌اند و ماتم زده و سوگوار به عزاداری مشغولند امشب موجودات خواب ندارند چرا که یتیمان نیز در مرگ پدر، چشم برهم نمی‌نهند که دیدگانشان گریان است و اشکبار. آری امشب همه یتیمند، همه، که دیگر پدر در کنارشان نیست و یتیمی را مستمندان و بیوه زنان و کودکان خوب احساس می‌کنند. امشب دیگر در کلبه های خاموش و مطرود کوفه، سوسوی نوری به چشم نمی خورد.

به گزارش ایسنا بیست و یکم رمضان، مولی الموحدين، يعسوب الدين حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام پس از ضربت خوردن در سحرگاه 19 رمضان به شهادت رسید و تمام انسان‌های آزاده در داغ این غم بزرگ به عزای نشست.

حضرت علی(ع) آن امام برحق و اسوه عدالت و ایمان، پس از ضربت خوردن در سحرگاه 19 رمضان تا اواخر شب 21 رمضان در خانه بستری بود و در این مدت علاوه بر خانواده آن حضرت بعضی از اصحابش نیز جهت عیادت به حضور وی مشرف می‌شدند و در آخرین ساعات زندگی از کلمات گهربارش بهره‌مند می‌گشتند از جمله پندهای حکیمانه امام این بود که فرمود: من دیروز مصاحب شما بودم و امروز وضع و حال من مورد عبرت شما است و فردا از شما مفارقت می‌کنم. مقداری شیر برای علی علیه‌السلام حاضر نمودند کمی میل کردند و فرمودند "به زندانی خود نیز از این شیر بدهید و او را اذیت و شکنجه نکنید اگر من زنده ماندم خود، دامن و او و اگر درگذشتم فقط یک ضربت به او بزنید زیرا او یک ضربت بیشتر به من زده است" و رو به فرزندش حسن علیه‌السلام نمود و فرمود: "پسر جانم پس از من تو ولی امری و صاحب خون من هستی اگر او را بیخشی خود دانی و اگر به قتل رسانی در برابر یک ضربتی که به من زده است یک ضربت به او بزن".

علی جان؛ با آنکه امید همه هستی تو علی(ع)، بر عرش خدا قائم هستی تو علی(ع)، آنقدر غریبی که خدا می داند، مظلوم‌تر از فاطمه(س) هستی تو علی(ع).

آری! امشب دیگر در کوچه‌های تاریک و دور افتاده شهر، صدای پایی به گوش نمی‌رسد، دیگر او نمی‌آید، امشب چشمان بی‌رمق اطفال بی پناه تا سپیده دمان، بر آستانه در به انتظار می ماند. امشب سفره های تهی مانده از غذا، در گوشه‌های شهر به انتظار نشسته اند و آن کودک یتیم در کنار مادر، به امید از راه رسیدن او لحظه شماری میکند.

آری ! امشب علی نمی‌آید، که او امشب میهمان پیامبر است و در کنار همسر، اما بی حسن، بی حسین که اینان نیز یتیم ماندند.

ای علی، ای علی، ای پدر، ای یار بی پناهان، امشب دیگر نخلستان‌های کوفه تو را در کنار خویش نمی بینند، امشب زمین از قعر وجود، از ژرفای چاه، فریادش، ناله‌اش بر آسمان بلند است، چرا که دیگر همناله‌اش "علی" را نمی بیند.

ای علی، بگو که امشب چه کسی مشک بیوه زنان شهر را بدوش خواهد کشید، بگو که امشب آن کودک بی پدر، آن دخترک یتیم، چه کسی را در کنار خویش احساس می‌کند، آن بیوه زن دردمند شهر، در اوج سکوت و بی یآوری، به چه کسی پناه آورد؟

علی جان؛ بگو که دیگر محراب مسجد کوفه، جایگاه چه کسی جز تو باشد و بر سجده گاه تو، چه کسی جز تو سر بر سجده گذارد؟ آری محرابت نیز یتیم شد و سجده گاهت نیز. و راستی، ای کاش علی نرفته بود، ای کاش سیاهی و ظلمت شب، مانده بود و ای کاش تیغ سپیده نوزدهم، پرده سیاه شب را ندیده بود، ای کاش علی آنروز اذان نگفته بود، ای کاش علی در آن سحرگاه خوابیدگان مسجد را بیدار نکرده بود، می‌خواهم بگویم، بلکه فریاد بزمن که ای کاش علی به نماز نایستاده بود!

اما چه می توان کرد و چه می‌شود گفت؟ او، علی است، فرزند ابوطالب، داماد پیامبر، پدر حسن و حسین، همسر فاطمه و عاشق الله است و شیفته شهادت، دلبسته پیوسته معبود و سر گشته دوست که بگاه شهادت و در هنگامه راز و نیاز با او، با آوایی برخاسته از دل، با بانگی به رسائی رسا بودن، با فریادی مایه گرفته از ژرفنای وجود، صدا برداشت که «فزت و رب الکعبه».

و اما اینک؛ ای علی، در شامگاهی غم انگیز، با حالتی غمگانه، و با چشمانی غمبار و با دل‌هائی غمزده و در غم از دست دادنت به سوگ

نشسته‌ایم، بدان که عشق تو با هستیمان عجین گشته است و نام تو در ذره ذره وجودمان حَك شده است و اینك ما با عشقی
اینچنین و حالتی اندوهگین، شهادت جانگدازت را به فرزند بزرگوارت امام مهدی (عج) تسلیم می‌گوییم و از پیشگاه احدیت طلوع
فجر و ظهورش را مسئلت داریم.

کم نمکدان تو را هر که نمک خورد، شکست ؟

باز با زخم سرت کعبه ترک خورد، شکست؟

این چه داغیست که جان همه را سوزانده

در دل قبر، دل فاطمه را سوزانده